

حزب التحرير در آسیای مرکزی

حزب التحریر در آسیای مرکزی

حزب التحریر احتمالاً در اوایل دهه 1990 تا اواسط آن در آسیای مرکزی فعال شد. به نظر می‌رسد که مبلغان اردنی، تحت پوشش تبلیغ اسلام، نخستین هسته‌ها را در ازبکستان تشکیل دادند. با این حال، این امکان نیز وجود دارد که ادبیات حزب التحریر در دهه 1980 به آسیای مرکزی، که آن زمان بخشی از شوروی بود، رسیده باشد. تحت هدایت «یوسف شیخ عبد القدیم زلوم»، جانشین نهانی، حزب التحریر فعالیت‌های خود را در آسیای مرکزی پس از شوروی افزایش داد. واکنش دولت‌های منطقه به ظهور این حزب، اقدامات سرکوب‌گرانه علیه اعضای آن بود. با این حال، مقامات تاجیک، ازبک، قزاق و قرقیز نتوانسته‌اند فعالیت‌های این گروه را در کشورهای خود خنثی کنند. از آن‌جا که حزب التحریر به صورت مخفی عمل می‌کند، اعضای در آسیای مرکزی شناخته شده نیستند. برآوردهای کلی صورت گرفته درباره تعداد اعضای از دو هزار نفر تا صد هزار نفر بوده است. در این مقاله به بررسی جایگاه حزب التحریر در کشورهای منطقه آسیای مرکزی به خصوص ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان پرداخته می‌شود.

مقدمه

حزب التحریر احتمالاً در اوایل دهه 1990 تا اواسط آن در آسیای مرکزی فعال شد. به نظر می‌رسد که مبلغان اردنی، تحت پوشش تبلیغ اسلام، نخستین هسته‌ها را در ازبکستان تشکیل دادند. [1] با این حال، این امکان نیز وجود دارد که ادبیات حزب التحریر در دهه 1980 به آسیای مرکزی، که آن زمان بخشی از شوروی بود، رسیده باشد. تحت هدایت «یوسف شیخ عبد القدیم زلوم»، جانشین نهانی، حزب التحریر فعالیت‌های خود را در آسیای مرکزی پس از شوروی افزایش داد.

واکنش دولت‌های منطقه به ظهور این حزب، اقدامات سرکوب‌گرانه علیه اعضای آن بوده است. با این حال، مقامات تاجیک، ازبک، قزاق و قرقیز نتوانسته‌اند فعالیت‌های این گروه را در کشورهای خود خنثی کنند. به نظر می‌رسد، اقدامات تنبیهی نتیجه کاملاً معکوس داشته است. اکنون طرفداران این گروه در حال افزایش‌اند. از آن‌جا که حزب التحریر به صورت مخفی عمل می‌کند، اعضای در آسیای مرکزی شناخته شده نیستند. برآوردهای کلی صورت گرفته درباره تعداد اعضای از دو هزار نفر تا صد هزار نفر بوده است. [2] برآورد نویسنده، بر پایه مصاحبه‌های صورت گرفته با مقامات امنیتی و اعضای گروه و نیز تعداد اعضای دستگیر شده در منطقه، این است که حدود 25000 نفر در آسیای مرکزی رسماً عضو این گروه‌اند و تعداد بسیاری نیز هوادار آن هستند.

درباره سابقه اجتماعی اعضای حزب التحریر اطلاعات فراوانی در دست نیست، زیرا هیچ‌گونه آماری که از سوی منابع مستقل تأیید شده باشد وجود ندارد. با وجود این، به نظر می‌رسد، اکثر اعضای عادی حزب التحریر وابسته به اقشار پایین‌تر جامعه و کادر رهبری آن از قشر روشن فکر و طبقه تحصیل کرده متوسط است. سن بیشتر اعضای حزب در منطقه، 20-35 سال و

اعضای برجسته آن، 35-45 سال است.

نکته جالب توجه این که، این گروه ظاهراً با هدف جذب به اسلام به اعضای تمام گروه های قومی از جمله غیر مسلمانان نزدیک می شود، اگر چه این موضوع [= دعوت به اسلام] جزء اهداف اصلی گروه نیست. حزب التحریر در آسیای مرکزی ابتدا در ازبکستان دارای عضو بود، اما از اواخر دهه 1990، تعداد بسیاری تاجیک، قرقیز، قزاق و حتی بعضی از تازه مسلمانان روسی به این گروه پیوستند. [3] با وجود این، هنوز هم بیشتر هواداران حزب در ازبکستان و مناطق ازبک نشین در جنوب قزاقستان، جنوب قرقیزستان و شمال تاجیکستان به سر می برند. به لحاظ نظری، حزب التحریر پذیرای تمام مسلمانان آسیای مرکزی است، اما در این باره که آیا این گروه، فرقه های مسلمان در منطقه را تحمل می کند یا نه جای بحث هست؛ برای مثال، اعضای دون پایه گروه در آسیای مرکزی، بیشتر دیدگاه هایی افراطی علیه فرقه احمدیه دارند. [4] اعضای فرقه احمدیه درباره تعهد حزب التحریر به نداشتن خشونت تردید دارند. به عقیده آن ها، پیام های این حزب ممکن است بعضی از اعضا را به انجام اقدامات خشونت آمیز تشویق کند. [5] شواهد چندانی مبنی بر این که حزب التحریر در آسیای مرکزی دیدگاه های ضد شیعی را در پیش گرفته باشد وجود ندارد. [6]

حزب التحریر از نظر راهبردهای جذب نیرو، تفاوت قابل ملاحظه ای با سایر گروه های مخفی اسلام گرا در آسیای مرکزی دارد. این گروه از عضویت زنان نیز استقبال می کند. حزب التحریر به ویژه در زمینه جذب زندانیان در آسیای مرکزی فعال بوده است. بیشتر اعضای زندانی حزب التحریر ایدئولوژی خود را برای سایر زندانیان تبلیغ می کنند؛ کسانی که به دلیل شرایط سخت زندان، مستعد پذیرش پیام های اسلام گرایانه ای هستند که به زندگی شان معنا می دهد. مقامات ازبک این نکته را می دانند؛ و بنابراین، معمولاً اعضای این حزب را زندانیان عادی جدا نگاه می دارند. سال ها فعالیت زیرزمینی در کشورهای عربی، درس های ارزشمندی را درباره راهبردهای بقا به رهبری حزب التحریر داده است. احتمال دارد این گروه قابلیت های ضد اطلاعات را در خود ایجاد کرده باشد [تا از نفوذ عناصر اطلاعاتی به درون این تشکیلات جلوگیری کند]. به گفته یک مقام ازبک، اعضای حزب التحریر موظف اند افراد ساکن در همسایگی خود را که در پلیس، ارتش یا سازمان های دولتی شاغل هستند شناسایی و تحت نظر داشته باشند. [7] به علاوه، اعضای حزب التحریر برای ناشناخته ماندن، به ندرت در درون حزب از اسامی واقعی خود استفاده می کنند.

در طول چند قرن، اسلام در آسیای مرکزی شاهد فراز و نشیب هایی بوده و همین امر، سبب بروز واکنش هایی برای احیای مجدد آن شده است و جنبش هایی در مورد بازگشت به ریشه های اسلامی بروز و ظهور یافته است. محافل مخفی تشکیل شده توسط «رحمت الله قاری علامه» و «عبد الولی میرزائوف» در دره فرغانه در اواخر دهه 1970، نمونه چنین جنبش های احیا گرانه ای بود که هدفشان زدودن بدعت ها از اسلام از قبیل برخی سنت ها و آیین های حنفی بود. فعالیت های آن ها زمینه ایدئولوژیک را برای ورود حزب التحریر در دهه 1990 هموار ساخت. حزب التحریر ضمن این که تلاش دارد نشان دهد که تمام چهار مذهب [سنی] را تحمل می کند، با فرقه حنفی موافق نیست، زیرا این فرقه به اقتدار [نظامی سیاسی موجود] احترام می گذارد و این امر با هدف حزب التحریر که عبارت است از سرنگونی دولت های کنونی در آسیای مرکزی مغایرت دارد. [8]

حزب التحریر تنها گروه اسلامی تندرو نیست که به جوامع مسلمان آسیای مرکزی راه یافته است. این گروه برای تسخیر قلب ها و ذهن های مسلمانان آسیای مرکزی با سازمان های سلفی رقابت کرده است. [9] موضع این حزب در برابر استعمال دخانیات، گوش دادن به

موسیقی و تعامل با زنان نسبت به موضع سازمان های سلفی، موضعی ملایمتر و سهل گیرانه تر است که با استقبال مردم آسیای مرکزی مواجه شده است. در این فصل، به بررسی حزب التحریر در تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، روسیه، اوکراین، چین و ترکمنستان می پردازیم.

تاجیکستان

با وجود یک حزب اسلامی قانونی در تاجیکستان (IRPT)، حزب التحریر توانسته است در این کشور حضور یتبد و طرفدارانی را جذب کند. نخستین هسته های حزب التحریر را شهروندان ازبک تشکیل دادند که در اواخر دهه 1990، به شمال تاجیکستان نقل مکان کردند. این گروه موفق شد به نهادهای آموزش عالی در شهر شمالی خجند نفوذ یابد و طرفداران بسیاری را در میان دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه جذب کند. [10] حزب التحریر هسته هایی را در دانشگاه دولتی خجند، دانشکده پزشکی و شاخه محلی دانشگاه فنی تاجیک تأسیس کرد و فعالیت هایش را در دوشنبه (پایتخت) گسترش داد. به گفته یک منبع آگاه وابسته به سازمان های امنیتی تاجیک، این گروه اولین بار در سال های 2001-2002 در دوشنبه ظاهر شد. [11] تعداد اعضای این حزب در تاجیکستان به طور کلی بین سه هزار تا چهار هزار نفر برآورد می شود که دارای تنوع قومی از جمله تاجیک، ازبک و حتی روسی هستند.

جزوه های حزب التحریر در تاجیکستان به اضطراری ترین و مهم ترین مسائل مردم از قبیل: مهاجرت مردان تاجیک به روسیه، فساد مالی دولت (که به حد بی سابقه ای رسیده) و کمبود برق و سوخت می پردازد؛ مسائلی که مطبوعات و رسانه های (تحت کنترل دولت) تاجیک از آن غافل مانده اند. شاخه تاجیک حزب التحریر IRPT را به همکاری با رژیم تاجیک متهم کرده است و جزوات تبلیغی اش را بیشتر در بازارهای سنتی، نهادهای آموزش عالی و مساجد توزیع می کند.

در سال 2001، دولت تاجیک حزب التحریر را یک حزب سیاسی غیر قانونی اعلام کرد. با این حال، مدعی العموم نخستین پرونده کیفری علیه یک عضو حزب التحریر را در سال 1999 در شمال تاجیکستان مطرح کرد. هدف حزب التحریر مبنی بر تأسیس حکومت اسلامی با روح قانون اساسی 1994 تاجیک، که تصریح دارد این کشور یک جمهوری دموکراتیک و سکولار است (اصل 1)، در تعارض است. [12] از سال 2000 تا اوایل 2005، مقامات تاجیک حدود پانصد عضو حزب التحریر را دستگیر کردند، اما تنها 189 پرونده در دادگاه تشکیل گردید. [13] در اواسط ژانویه 2006، دولت تاجیک اعلام کرد 99 عضو حزب التحریر، از جمله شانزده زن، دستگیر شده اند. [14] دفتر مدعی العموم 74 پرونده کیفری را علیه اعضای دستگیر شده تشکیل داد و دادگاه های تاجیک این افراد را به پنج تا دوازده سال حبس محکوم کرد. [15] با وجود سرکوب دولتی، ظاهراً شمار اعضا و هواداران حزب التحریر در تاجیکستان رو به افزایش نهاده است. بسیاری از اعضای دستگیر شده حزب التحریر از قوم ازبک اند، اما شمار تاجیک ها به سرعت در حال افزایش است. سازمان های مردم نهاد تاجیک و بین المللی مدعی شده اند اعضای حزب التحریر به صورت ناعادلانه محاکمه شده اند و هنگام بازداشت، با ایشان بدرفتاری می شده است. [16]

هیچ آمار رسمی درباره اعضای زندانی گروه وجود ندارد، اما «دولت نظیروف»، [17] رئیس سازمان مردم نهاد «مرکز تحلیل افراط گرایی و تروریسم»، در سال 2005 تخمین زد که 150 تا 180 عضو حزب التحریر در زندان های تاجیک دوران محکومیت خود را می گذرانند. [18] بیشتر پرونده ها علیه اعضای حزب التحریر بر مبنای اصل 187 (تحریک نارضایتی دینی و قومی) و اصل 307 (تلاش برای سرنگونی دولت) قانون کیفری تاجیک تشکیل شده است. [19]

مشارکت زنان در این گروه ممنوع فعالیت برای مقامات تاجیک اهمیت فراوانی دارد. در اواخر 2006، نه زن در خجند به دلیل همکاری با این گروه به پنج تا یازده سال زندان محکوم شدند. همکاری آن‌ها تنها در قالب توزیع جزوات و جذب اعضای جدید زن بود. [20] بیشتر زنانی که محکوم شدند تحصیلات دانشگاهی داشتند و ظاهراً با تصمیم خود به این گروه پیوسته بودند و تنها دو یا سه نفر به اجبار شوهرانشان به این گروه ملحق شده بودند. در طول چند سال گذشته دستگیری‌ها ادامه یافته است؛ برای مثال در سال 2008، 28 عضو حزب التحریر محکوم شدند. [21]

ازبکستان

حزب التحریر در اوایل دهه 1990 تا اواسط آن در ازبکستان فعال شد. در اواخر دهه 1990، ازبکستان به چند دلیل به کانون فعالیت‌های این حزب در آسیای مرکزی تبدیل شده بود. پس از سوء قصد نافرجام به جان رئیس جمهور «کریموف» در فوریه 1999، که رژیم ازبک آن را به تروریسم‌های اسلامی نسبت داد، دستگیری اعضای حزب التحریر به میزان قابل توجهی افزایش یافت. از آن زمان تاکنون، سرکوب فعالیت‌های گروه توسط نیروهای امنیتی، احتمالاً سبب شده رهبری آن مقر خود را به جنوب قرقیزستان انتقال دهد. [22] از این گذشته، به دلیل شرایط سخت در ازبکستان اکثر جزوات گروه از قزاقستان به ازبکستان قاچاق می‌شود. با این حال، چند تن از اعضای این گروه در حالی که سعی داشتند جزواتی را در اوت 2006 از مرز قزاقستان- ازبکستان وارد ازبکستان کنند دستگیر شدند. [23] به نظر می‌رسد، بیشتر اعضای حزب التحریر اهل منطقه دره فرغانه (از جمله ولایات اندیجان، فرغانه، نمگان و شهر تاشکند) باشند. به سختی می‌توان تعداد اعضای حزب را در ازبکستان برآورد کرد، اما به نظر می‌رسد این گروه در این کشور بین 10000 تا 15000 عضو داشته باشد. اعضای دستگیر شده حزب التحریر معمولاً به بیست سال زندان محکوم می‌شوند. بیشتر پرونده‌ها علیه اعضای حزب التحریر با استناد به اصول 159 (تلاش برای سرنگونی دولت)، 216 (تشکیل سازمان‌های عمومی و مذهبی غیر قانونی)، 244/1 (توزیع مطالبی که خواهان افراط‌گرایی و بنیادگرایی مذهبی هستند) و 244/2 (تشکیل سازمان‌های دینی، افراطی، جدایی طلب و سایر سازمان‌های غیر قانونی و شرکت در آن) قانون کیفری ازبکستان تشکیل شده است. روحانیون مورد حمایت دولت کاملاً با سرکوب حزب التحریر موافق اند، زیرا این گروه را رقیب خود برای تسخیر قلب‌ها و ذهن‌های ازبک می‌دانند. به علاوه، دستگاه‌های اسلامی این کشور تابع سازمان‌های دولتی اند، زیرا این سازمان‌ها مسئول عزل و نصب روحانیون و رهبران دینی می‌باشند.

با این حال، مقامات ازبک، روحانیون مسلمان را بسیج کرده اند تا از طریق مباحث ایدئولوژیک به مقابله با ایدئولوژی حزب التحریر بپردازند. به نظر می‌رسد، این گروه از این سیاست با خیر است، زیرا مدعی شده مقامات ازبک با دانشگاه الازهر در قاهره ارتباط برقرار کرده تا آن‌ها روحانیون میانه رو ازبک را ترغیب کنند که به اجرای مناسک اسلامی مطابق با خط مشی‌های دولتی بپردازند و در امور سیاسی دخالت نکنند. [24] روحانیت جدید ازبک «مهارت مقابله با گروه‌های سیاسی در کشور، به خصوص حزب التحریر را- که در علوم اسلامی فوق العاده تبحر دارد- خواهد داشت.» [25]

ادیت و آزار اعضای حزب التحریر در ازبکستان، به موضوع سیاسی حساسی برای این گروه تبدیل شده است. در سال 2002، شاخه حزب التحریر در انگلستان کمپینی را علیه تاشکند به راه انداخت و سازمان‌های امنیتی ازبک را به قتل «فرهاد عثمانوف»، یکی از اعضای حزب، متهم کرد. در ژوئیه 2002، صدها عضو حزب التحریر در بیرون سفارت ازبکستان در لندن تجمع

کردند تا برای سفر به ازبکستان روادید خود را دریافت کنند. دیپلمات های ازبک، که غافل گیر شده بودند، حاضر به پذیرش معترضان نشدند. این گروه همچنین در اکتبر 2005، تظاهراتی را در بیرون سفارت خانه های ازبکستان در لندن و جاکارتا ترتیب داد.

در مارس 2003، چند صد عضو حزب التحریر با عفو اعلام شده از سوی دولت ازبکستان از زندان آزاد شدند. با این حال، عفو این تعداد نمی تواند این امیدواری را به همراه داشته باشد که تاشکند سیاست خود را در قبال این گروه به این زودی تغییر دهد. به صورت خاص، از زندانیان خواسته شد که گزارشی را خطاب به رئیس جمهور کریموف امضا و در آن اقرار کنند گناهکارند، از عقاید خود ابراز پشیمانی کنند و قول بدهند که با نیروهای دولتی همکاری کرده و نام کسانی را که در فعالیت های سیاسی یا مذهبی غیر قانونی مشارکت دارند افشا کنند. [26] در واکنش به قیام اندیجان در می 2005 و اتهام های کریموف علیه حزب التحریر، این گروه در برابر رژیم ازبک موضع خصمانه تری گرفته است. البته ظاهرا افزایش دستگیری اعضای این حزب در ازبکستان، این گروه را ناگزیر کرده از حجم فعالیت هایش در این کشور بکاهد؛ برای مثال، در اوت 2008، پلیس ازبک اعلام کرد که بیش از چهل عضو این حزب دستگیر شده اند. [27]

قزاقستان

در دهه 1990، مقامات قزاق عقیده داشتند که این کشور در برابر نفوذ اسلام سیاسی در امان است و دلیل آن، وسعت بسیار کشور، وجود اقوام مختلف و رشد اقتصاد نفتی کشور بود. با ظهور حزب التحریر در جنوب قزاقستان، این دیدگاه در اوایل دهه 2000 به چالش کشیده شد. نخستین نشانه های حضور این حزب در جنوب قزاقستان در سال 1998 ظاهر شد. این گروه مدعی است در جنوب این کشور هزاران عضو دارد؛ در حالی که به گفته یک تحلیل گر امنیتی قزاق، این گروه در سال 2004 در جنوب قزاقستان تنها دویست عضو داشته است. [28] در ژوئیه 2003، یک افسر عالی رتبه اطلاعاتی ازبک برآورد کرد که حزب التحریر در قزاقستان پنج هزار عضو دارد، اما به نظر می رسد، چنین ادعایی بی پایه است. [29] این گروه احتمالا در جنوب قزاقستان دو هزار عضو داشته باشد.

نسل نخست اعضا در جنوب قزاقستان شامل ازبک ها می شدند. با وجود این، در سال های اخیر، تعداد بسیاری قزاق به آن پیوسته اند. اعضای حزب معمولا مردان بی کار یا کم درآمدند که بین بیست تا چهل سال سن دارند. اعضای حزب التحریر پیوسته جزوه هایی را در جنوب قزاقستان توزیع می کنند که بیشتر آن ها به زبان های قزاقی، ازبک یا روسی نوشته می شوند. این مسئله نشان می دهد جامعه هدف این گروه، تمام اقوام است. [30] این جزوات معمولا به بیان مشکلاتی می پردازند که گریبان گیر مسلمانان در سایر کشور ها (برای مثال ازبکستان و چین) است و نه قزاقستان. حزب التحریر برای ترویج پیام های خود، از خشم مسلمانان علیه تهاجم آمریکا به عراق بهره برداری کرده است. در طول سال 2003، این حزب جزواتی را تهیه کرد که به شدت از دولت های آمریکا و انگلستان به دلیل نقششان در عراق انتقاد می کرد. [31]

افزون بر این، نشانه ها گواه بر آن است که فعالیت های حزب التحریر در قزاقستان رو به فزونی نهاده است. در 6 ژوئیه 2001، در شصت و یکمین سال روز تولد رئیس جمهور، نظربایف، جزوات این حزب در هزاران صندوق پستی در آلماتی ظاهر شد، که بسیاری آن را نشانه مبارزه طلبی دانستند. این گروه فعالیت خود را حتی در شمال قزاقستان گسترش داده؛ منطقه ای که عمدتا تحت سکونت روس ها و قزاق هایی است که اصطلاحا «قزاق های روسی شده» [32] خوانده می شوند؛ یعنی کسانی که فرهنگ روس را در زندگی خود پیاده می کنند. در 8 فوریه 2005، پلیس قزاقستان یک انتشارات وابسته به حزب التحریر در آلماتی را تعطیل کرد

و دو تن از اعضای این گروه را دستگیر و دوازده هزار جزوه را کشف و ضبط کرد. [33] دو هفته پیش از آن نیز چهل عضو حزب التحریر که بیرون از مسجد جامع آلماتی علیه SAMK دست به تظاهرات زده بودند، دستگیر شدند. تظاهر کنندگان SAMK را بیش از حد به رژیم نظریای وابسته می دانستند.

قرقیزستان

حزب التحریر نخستین بار در اواخر دهه 1990 در قرقیزستان ظاهر شد. این حزب بیشتر در ولایات جنوبی اوش، جلال آباد و با تکین فعال بوده است. برخی از منابع برآورد می کنند که حدود سه هزار تا چهار هزار عضو حزب التحریر در قرقیزستان هستند، که البته برآوردی معقول است. [34]

این حزب [برای انتشار پیام خود] از جزوات بهره فراوانی می برد؛ جزواتی که به زبان های روسی، قرقیز و ازبک منتشر می شوند و طرف دار تأسیس خلافت اسلامی و اجرای احکام شریعت هستند. جزوات این گروه حول محور مسائل اجتماعی و فساد مالی در میان مقامات و کارکنان دولتی است. از جمله انتشارات این گروه در قرقیزستان عبارت است از «ماهنامه بیداری» که احتمالاً در لبنان چاپ می شود و مقالات آن از عربی به زبان های قرقیز، روسی و ازبک (سه زبان اصلی در قرقیزستان) ترجمه می شوند. شمارگان احتمالی این نشریه پنج هزار نسخه است. [35] این گروه، ماهنامه را برای رسانه ها و سفارت خانه ها، از جمله سفارت آمریکا، ارسال می کند. این ماهنامه شامل مقامات مذهبی و نیز مقالاتی درباره دامنه وسیعی از موضوعات سیاسی است.

در اواخر آوریل 2001، رهبران این حزب اعتماد به نفس خود را به نمایش گذاشتند و به شکلی تعجب برانگیز از رهبران مسلمان قرقیز و مقامات دولتی این کشور، از جمله اعضای پارلمان، دعوت کردند که در یکی از مساجد قره سو، شهری که بعضی بدان لقب «پایتخت حزب التحریر» داده اند، در بحث و تبادل نظری آزاد شرکت کنند. با این حال، به گزارش حزب التحریر، هیچ یک از آنها در این جلسه شرکت نکردند. اکثر اعضای حزب در جلسه ای که تشکیل شد ایدئولوژی گروه را برای مردم بازگو کردند. [36]

در اوت 2001، اعضای این حزب نامه ای سرگشاده به رئیس جمهور آقایف، پارلمان و قوه قضاییه ارسال کردند و از ایشان خواستند به ده پرسش مطرح شده پاسخ گویند؛ از جمله سوال ها این بود که آیا ایشان خود را مسلمان می دانند یا نه؟ آیا قرآن را تنها قانون اساسی راستین می شناسند؟ و چرا ایشان با کشورهای کافر (کشورهای غربی) ارتباط دارند؟ این حزب خواستار پاسخ رسمی به این سوالات طرف پانزده روز شد، اما جای تعجب نبود که هیچ یک از مقامات به این پرسش ها پاسخ ندادند. [37]

در مقایسه با ازبکستان، قرقیزستان در قبال حزب التحریر نوعی رویکرد نسبتاً لیبرال در پیش گرفته است؛ در نتیجه این گروه با آزادی نسبی به فعالیت هایش ادامه می دهد. پلیس معمولاً در برابر اولین نقض قانون توسط اعضای این گروه به ایشان اخطار می دهد و جریمه شان می کند. خطای بعد ممکن است به صدور حکم حبس از دو تا پنج سال منجر شود. بیشتر پرونده ها به استناد اصول 297 (دعوت از مردم برای تغییر خشونت آمیز رژیم قانونی) و 299 (برانگیختن خصومت ها و درگیری های قومی، نژادی و مذهبی) قانون کیفری تشکیل می شود. تمام تشکل های مذهبی باید به ثبت کمیسیون دولتی امور مذهبی و وزارت دادگستری برسند تا مجوز لازم برای فعالیت به عنوان یک تشکیلات قانونی را دریافت کنند. تاکنون حزب التحریر سعی نکرده به عنوان یک تشکل مذهبی به ثبت برسد، زیرا مدعی است که یک حزب سیاسی است. فعالیت این حزب به موجب اصل 8 قانون اساسی قرقیزستان، که می گوید:

تأسیس احزاب سیاسی بر پایه دین مجاز نیست، ممنوع شده است. [38] در نوامبر 2003، دیوان عالی حکم صادره توسط دادگاه بیشکک، که به موجب آن چهار گروه به دلیل افراط گرایی و داشتن روابط با تروریسم بین الملل حق فعالیت نداشتند را تأیید کرد. این گروه عبارت اند از: حزب التحریر، حزب اسلامی ترکستان، [39] سازمان آزادی بخش ترکستان شرقی [40] و حزب اسلامی ترکستان شرقی. [41]

در پی شورش های مسلحانه «حکومت اسلامی ازبکستان» (IMU) در جنوب قرقیزستان در تابستان های 1999 و 2000، بیشکک تلاش های خود را برای ایجاد محدودیت برای گروه های اسلام گرا، که ممکن است تهدیدی برای امنیت ملی باشند، افزایش داد. برخی از مقامات قرقیز خواستار تصویب قوانین سخت گیرانه تر برای محدود کردن فعالیت های اسلامی رادیکال شدند؛ برای مثال، در اکتبر 2003، «کالیک ایمان کولوف»، [42] رئیس سازمان امنیت ملی جلال آباد، درباره افزایش تهدید از جانب حزب التحریر ابراز نگرانی کرد و گفت این گروه موفق شده زنان و جوانان، از جمله دانش آموزان و دانشجویان را به خود جذب کند. [43]

از سوی دیگر، «تورسونبای باقر اولو»، بازرس ویژه قرقیزستان، این سوال را طرح کرده که آیا دیدگاه های حزب آن گونه که دولت ادعا می کند تهدید آمیز هستند؟ او می گوید: سازمان های دولتی نباید پیروان حزب التحریر را صرفاً به این دلیل که به دنبال تغییر اساسی ساختار جامعه هستند اذیت و آزار کنند. به عقیده وی، این گروه قانون را نقض نکرده و سایر احزاب (برای مثال کمونیست ها) نیز خواهان تغییر ساختار جامعه هستند؛ [44] بنابراین، دولت باید این گروه را قانونی اعلام کند. [45]

یک نمونه از واکنش های دو پهلوی مقامات قرقیز در برابر حزب التحریر، اظهارات تناقض آمیز «عمر زاک ماما یوسفوف»، [46] رئیس وقت سازمان دولتی امور مذهبی، است که در 19 فوریه 2002 در تلویزیون قرقیزستان اعلام کرد اعضای حزب التحریر مانند بقیه، شهروندان قرقیزستان هستند و وی هیچ مانعی برای ثبت رسمی این حزب نمی بیند. با این حال، وی در 21 مارس 2002 در بیشکک اعلام کرد: «اهداف این حزب با قانون اساسی قرقیزستان در تعارض است و این حزب نمی تواند به ثبت برسد.» [47]

در اوت 2004، سازمان امور مسلمانان قرقیزستان مقررات جدیدی را درباره مبلغان مسلمان وضع کرد. مفتی قرقیزستان اعلام کرد هر فردی که خواهان ایفای نقش به عنوان مبلغ اسلامی است، باید در ابتدا از این سازمان مجوز دریافت کند. این سازمان احتمال می داد حزب التحریر توانسته در میان خطبای اسلامی نفوذ یابد. به علاوه، «سازمان عالی امور مسلمانان قرقیزستان» موضع رسمی خود را در قبال حزب التحریر تکرار کرد و گفت: «نه شریعت و نه قانون اساسی کشور ما به یک حزب سیاسی اجازه نمی دهد بر پایه مذهب شکل بگیرد؛ بنابراین، ما چنین حرکت هایی را محکوم می کنیم.» [48]

با وجود فشار دولت، این گروه به فعالیت های خود ادامه داده است؛ برای مثال، در شهر جلال آباد این حزب طوماری را با بیست هزار امضا تهیه کرد که در آن خواستار آموزش های اسلامی بیشتر در مدارس و هم چنین جدایی دختر و پسر در کلاس های درس شده بود. این طومار که در نوامبر 2004 تهیه شد، خواستار حمایت دولت از مدارس مسلمانان و ایجاد محدودیت در زمینه هرزه نگاری بود. [49]

با این حال، حزب التحریر در جریان انقلاب لاله قرقیزستان- که به سرنگونی آقاییف در مارس 2005 انجامید- نقش کمرنگی داشت. این حزب مدعی شد که سرنگونی رژیم آقاییف تنها یک نوع ترمیم دوباره قدرت در درون نخبگان حاکم بود. [50] با وجود این، نقش برجسته اپوزیسیون قرقیزستان در رویدادها و استقبال از انجام اقدامات مستقیم علیه رژیم، تا حد چشم گیری

فضای سیاسی قابل دست رس را برای این گروه کاهش داد. پیام ضد دموکراتیک حزب التحریر و نیز فراخوان قبلی آن برای تحریم انتخابات پارلمانی فوریه 2005 (که تقلب در آن، جرقه انقلاب لاله را زد)، چندان باب طبع شهروندان قرقیز نبود. آن ها تازه دریافته بودند که می توانند به بیان ناراضی‌های سیاسی و اقتصادی شان بپردازند و از طریق احزاب سیاسی قانونی، به دنبال تغییرات سیاسی باشند.

بنابراین، این گروه کوشیده راهبرد سیاسی جدیدی را در اوضاع و احوال قرقیزستان در پیش بگیرد که شامل مشارکت سیاسی و استفاده از رسانه های همگانی است. در انتخابات پارلمانی ژوئیه 2005، حزب التحریر از توریس‌نمای باقر اولو، مدافع حقوق بشر قرقیزستان، حمایت کرد، زیرا وی قول داد بر اساس قرآن و شریعت عمل کند؛ با این حال، باقر اولو تنها 9/3 درصد آرا را کسب کرد. [51]

هم چنین در ژوئیه 2005، شاخه حزب التحریر در اوش (در جنوب قرقیزستان) در صدد برآمد مجوز لازم برای راه اندازی یک شرکت پخش برنامه های رادیویی و تلویزیونی به نام Ong (بیداری) [52] را دریافت کند. با این حال، این شرکت پس از سه روز (4-7 ژوئیه) پخش برنامه هایش را متوقف کرد و آن زمانی بود که شریک آن، یعنی کانال خصوصی تلویزیونی کرامت [53] توافق نامه همکاری شان را لغو کرد. [54] «دلیر جمعه بایف»، [55] یک عضو برجسته محلی حزب التحریر، بعداً ادعا کرد که شبکه تلویزیونی کرامت تسلیم فشارهای سازمان امنیت ملی شده است. جمعه بایف اظهار داشت چند عامل باعث شده بود وی شرکت Ong را تأسیس کند: 1. با وجود برتری مسلمانان در قرقیزستان، شرکت های رادیو و تلویزیونی نه مکتب اسلام را پوشش می دهند و نه درباره زندگی و مشکلات مسلمانان گزارش تهیه می کنند. 2. از آن جا که «مسلمانان تلخی خواری را تجربه می کنند»، وی تصمیم گرفت «با هدف بیدار ساختن مسلمانان هر کاری را که در توان دارد با کمک برنامه های تلویزیونی انجام دهد.» [56]

از آن زمان تاکنون، دولت قرقیزستان موضع سخت تری در برابر حزب التحریر گرفته است. قتل «رفیق قاری کمال الدین»، امام جماعت برجسته ازبک در قره سو، در طول عملیات ضد تروریستی در جنوب قرقیزستان (اوت 2006) نشان داد که سازمان های امنیتی قرقیز آمادگی تحمل اسلام سیاسی را ندارند. کمال الدین اغلب از سیاست دولت قرقیزستان در قبال حزب التحریر انتقاد می کرد و طرف دار نوعی روش مصالحه جویانه بود. [57] شاخه این حزب در انگلستان بلافاصله بیانیه ای صادر کرد و اعلام کرد در طول دهه گذشته، قتل ائمه جماعات و فعالان اسلامی، کار رژیم ازبک بوده و اکنون به نظر می رسد که قرقیزستان جا پای رژیم کریموف گذاشته است. [58] اگر چه این گروه اذعان داشت کمال الدین عضو آن نبوده، سخت مشتاق بود که این روحانی را قربانی دیگری قلمداد کند که در جریان برنامه وسیع و وحشیانه رژیم قرقیزستان علیه مسلمانان پای بند از پا در آمده است. [59]

با وجود سرکوب روز افزون دولتی، حزب التحریر به فعالیت های خود در جامعه ادامه داده است. در اوایل فوریه 2007، این حزب بیانیه ای مطبوعاتی را برای رسانه های قرقیزستان فرستاد و اعلام کرد که گروهی از معماران و کارگران ساختمانی را روانه منطقه نارین می کند [60] تا به بازسازی این منطقه، که بر اثر زلزله بزرگ 26 دسامبر 2006 آسیب دیده بود بپردازند. به علاوه، این گروه از عزم خود برای کمک رسانی به ساکنان محلی که بر اثر زلزله متحمل خسارت شده بودند خبر داد؛ با این حال، زمانی که یازده نفر اعزامی، که احتمالاً عضو حزب التحریر بودند، به منطقه رسیدند، پلیس آن ها را به اتهام وابستگی به یک سازمان غیر قانونی دستگیر کرد. [61]

روسیه، اوکراین، چین و ترکمنستان

حزب التحریر روز به روز بر فعالیت خود در سایر کشورهای منطقه که جمعیت قابل توجهی

مسلمان دارند افزوده است. در ژوئن 2003، سازمان های انتظامی در مسکو اعلام کردند که 121 پیکار جوی مسلمان، از جمله 55 نفر مظنون به عضویت در حزب التحریر، را بازداشت کرده اند. بنا بر گزارش ها، در رأس مظنون ها «علی شیر موسایف»، شهروند قرقیز و «اکرم جلالوف»، شهروند تاجیک، قرار داشتند. [62] بنا به گزارش ها، برخی از بازداشت شدگان با خود نارنجک دستی، مواد منفجره و مهمات و نیز جزوات تبلیغی حمل می کردند. در واکنش به این قضیه، حزب التحریر طی بیانیه ای اعلام کرد روسیه نگران بازگشت خلافت [اسلامی] است و بیم آن دارد که این حزب، حکومت این کشور را در برابر استعمار، ظلم و کشتار مسلمانان در زمانی که سرزمین های مسلمانان را در اواخر عمر حکومت عثمانی تحت اشغال داشت پاسخ گو کند. این علاوه بر مسلمانانی است که هنوز تحت یوغ بی عدالتی و ستم روسیه قرار دارند. این در حالی است که روسیه از نفوذ و قدرت نظامی خود در جمهوری های اسلامی ترکستان غربی استفاده می کند [تا به اهداف مورد نظر خود دست یابد]. [63]

ظاهراً حزب التحریر حضور چشم گیری در چین ندارد، اگر چه این جمهوری خود مختار بستر مناسبی برای رشد اسلام سیاسی بوده است. با این حال، نشانه های فراوانی وجود دارد مبنی بر این که حزب التحریر در جمهوری مسلمان نشین خودمختار تاتارستان فعال بوده است؛ برای مثال، وزارت کشور تاتارستان در بیانیه ای که در 22 نوامبر 2004 منتشر نمود اعلام کرد: «هسته های حزب التحریر بسیار دسیسه کارانه عمل می کنند؛ به این صورت که درباره سازمان دهی حملات تروریستی و اقدامات نظامی تحقیق و از تجربه سایر سازمان های تروریستی، از جمله القاعده و طالبان، استفاده می کنند.» در اوایل 2006، دادگاه های روسیه 46 مسلمان را به دلیل عضویت در حزب التحریر محکوم کردند. [64] «گوردون هان» [65]، نویسنده کتاب روسیه در معرض تهدید اسلام گرایان، [66] به نکته جالبی اشاره می کند و می گوید: گروه غیر خشونت طلبی چون حزب التحریر ممکن است به این نتیجه برسد که سرزمین تاتارستان جای مناسبی برای جذب نیروست، زیرا تاتارها به اسلام میانه رو معتقدند. [67]

در سال های اخیر، حزب التحریر در اوکراین نیز حضور یافته است. این گروه، تاتارهای کریمه (قومی ترک به شمارشان به حدود 230000 نفر می رسد) را هدف قرار داده است. [68] در اوت 2007، شاخه اوکراینی حزب التحریر کنفرانس «اسلام: دیروز، امروز و فردا» را در شهر سیمفروپل [69] ترتیب داد که سخنرانان این کنفرانس از شش صد شرکت کننده آن خواستند «پیام اسلام را به ملت اوکراین برسانند.» [70]

به علاوه، بنا به گزارش ها، حزب التحریر دامنه نفوذ خود را تا منطقه خود مختار سین کیانگ چین، که محل سکونت اویغورهاست، گسترش داده است. ناتوانی سازمان های تروریستی ایغور (مانند جنبش اسلامی ترکستان شرقی) از به چالش کشیدن جدی حکومت پکن در سین کیانگ می تواند این امکان را به حزب التحریر بدهد که بر فعالیت هایش در منطقه بیفزاید. در طول چند سال گذشته، وب سایت های این گروه توجه فراوانی به اوضاع چین کرده اند. [71] هم چنین، شواهدی وجود دارد مبنی بر این که حزب التحریر در ترکمنستان حضور پیدا کرده، جایی که رئیس جمهور فقید، نیازوف، سرکوبگرترین رژیم را در آسیای مرکزی بر پا کرد. ترکمنستان، مانند همسایه خود (ازبکستان)، کنترل اداری شدیدی را بر اسلام اعمال می کند. شایعاتی وجود دارد مبنی بر این که حزب التحریر به زندان ها نفوذ پیدا کرده و هسته هایی را در درون آن ها تشکیل داده است. [72] این احتمال نیز وجود دارد که این گروه در مناطق ازبک نشین در شمال ترکمنستان فعال باشد.

در ژوئیه 2004، جزوات امضا نشده ای در عشق آباد توزیع شد که در آن ها از مخاطبان خواسته شده بود برای سرنگونی رژیم نیازوف قیام کنند. در این جزوات آمده بود: مردم ترکمن همیشه

به خود می‌بالند که در برابر حاکمان مستبد ایستاده‌اند. اکنون وقت آن است که پرچم‌های حق و عدل و داد را برافرازیم و مسئولیت آینده فرزندانمان را بپذیریم و رژیم غیر انسانی نیازوف را ساقط کنیم. [73] در ترکمنستان، دولت نه تنها امور مذهبی را شدیداً تحت کنترل دارد، بلکه اغلب مسلمانان پای بند را اذیت و آزار می‌کند. در طول سال‌های حکومت نیازوف، ائمه جماعات مجبور بودند در تمام مساجد، نسخه‌هایی از کتاب روحنامه نیازوف را به نمایش گذارند و در طول خطبه‌ها، به نقل مطالبی از آن پردازند. نبود هر گونه اپوزیسیون سکولار در ترکمنستان ممکن است ظرف چند سال این امکان را برای حزب التحریر فراهم آورد که خلأ ایجاد شده را، لااقل در میان مسلمانان پای بند، پر کند.

نتیجه‌گیری

در اوایل فعالیت حزب التحریر [در آسیای مرکزی]، بیشتر اعضای آن از یک‌های اهل ازبکستان و مناطق هم‌جوار (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان) بودند، اما این حزب در جذب اعضای سایر گروه‌های قومی نیز موفق بوده است.

بی‌تردید، حزب التحریر در هر یک از کشورهای آسیای مرکزی، بسته به شرایط اجتماعی و سیاسی خاص آن کشور، راهبرد متفاوتی را دنبال می‌کند. این گروه در ازبکستان به دنبال انتشار پیامش برای جامعه است، ضمن این که در این کشور حضوری زیرزمینی دارد. در قرقیزستان، از امتیاز فضای نسبتاً آزاد کشور برای تقویت روابط خود با عموم مردم بهره‌می‌گیرد. در قزاقستان، مشغول کادر سازی است و از مقابله با نیروهای دولتی می‌پرهیزد و سرانجام، در تاجیکستان، صلاح بر آن دیده که هم با سازمان‌های دولتی دربیفتد و هم با IRPT (اصلی‌ترین رقیبش برای تسخیر قلب‌ها و ذهن‌های مسلمانان پای بند در این کشور).

حزب التحریر ضمن این که دستور کاری منسجم و ملموس را از ابتدا تا کنون دنبال کرده است، به لحاظ تاکتیکی، بر مسائل و موضوعات خاصی تمرکز کرده که هر یک از این کشورها با آن‌ها مواجه هستند.

اگر چه اطلاعات جامعی درباره این گروه وجود ندارد، از شواهد چنین بر می‌آید که جامعه هدف آن عبارت است از زنان، زندانیان، دانشجویان و روشن‌فکران، که همگی آن‌ها به طور خاص و بنا به دلایل متفاوت، مستعد پذیرش پیام‌های اقناع‌کننده اسلام‌گرایانه هستند. این گروه به مدارس، دانشگاه‌ها، زندان‌ها و تا حدودی کمتر به مساجد و سازمان‌های دولتی رسوخ کرده است. هر چه می‌گذرد، بخش‌های بیشتری از جوامع آسیای مرکزی به این نتیجه می‌رسند که حزب التحریر تنها جانشین مطمئن برای حکومت مستبد و فاسد این جوامع است و دلیل آن، دستور کار متنوع سیاسی حزب، برنامه‌های روشنگرانه و عوام‌فهم آن و روش سیاسی غیر خشونت‌طلب آن است.

دولت‌های منطقه عمدتاً ظهور حزب التحریر را در خاک خود به مثابه یک معضل امنیتی تلقی کرده‌اند. به هر حال، اقدام‌های سرکوب‌گرانه و تنبیهی این دولت‌ها برای مبارزه با یک گروه اسلامی تندرو، اما غیر خشونت‌طلب، صرفاً موجب افزایش جاذبه حزب التحریر در میان مردم آسیای مرکزی شده است. به علاوه، واکنش افراطی دولت‌های منطقه در برابر یک مسئله سیاسی و نه امنیتی، سبب شده وجهه این دولت‌ها بیش از پیش تضعیف شود؛ در نتیجه، سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی مانند دیده بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل، بیشتر به موضوع بد رفتاری با اعضای زندانی حزب التحریر در منطقه توجه کرده‌اند.

تاجیکستان

ازبکستان

قزاقستان

قرقیزستان

وضعیت

ممنوع فعالیت

ممنوع فعالیت

ممنوع فعالیت

ممنوع فعالیت

تعداد اعضا

3000 (تخمینی)

15000 (تخمینی)

2000 (تخمینی)

4000 (تخمینی)

راهبرد

کار زیرزمینی

کار زیرزمینی

فعالیت‌های اجتماعی

فعالیت‌های اجتماعی

واکنش دولت

سرکوب

سرکوب

نسبتا لیبرال

نسبتا لیبرال

منبع: اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی، نویسنده امانوئل کاراجیانیس، مترجم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، شعبه خراسان، قم، نشر بوستان کتاب، چاپ اول، 1391 ه.ش

پاورقی

[1] . از سوی دیگر، اندرو آپوستولو (Andrew Apostolou) از مؤسسه بروکینگز ادعا کرده است که در اوایل دهه 1990 اعضای انگلیسی و پاکستانی حزب التحریر به این منطقه سفر کرده‌اند. مصاحبه با اندرو آپوستولو، مؤسسه بروکینگز، واشنگتن دی سی، آمریکا، دسامبر 2005.

[2] . International Crisis Group, Radical Islam in Central Asia: Responding To Hizb Ut- Tahrir, Osh: ICG Asia, 2003, P. 17

[3] . به عنوان مثال، یکی از اهالی خجند در شمال تاجیکستان، به نام «اولگ نمچینوف» (Oleg Nemchinov)، توسط مقامات تاجیک به اتهام عضویت در حزب التحریر دستگیر گردید. نک: Bunyod, "Hatarihizb" [The Danger of Hizb], Tojikeston, No, 21, 27 May 2004, In Tajik.

[4] . جنبش احمدیه در سال 1889 توسط میرزا غلام احمد در هند پایه‌گذاری گردید. وی مدعی

بود پیامبر اسلام است، اما مسلمانان جریان اصلی که معتقدند هیچ پیامبری پس از [حضرت] محمد صلی الله علیه وآله نخواهد آمد وی را به عنوان مرتد شناختند. جنبش احمدیه که در شبه قاره هند و در میان مهاجران پاکستانی پیروان زیادی دارد، ظاهراً از فعالیت های سیاسی کناره گرفته است.

- [5] . مصاحبه با عضو گروه احمدیه، آلمانی، قزاقستان، دسامبر 2004.
- A. Rashid, Jihad: The Rise Of Militant Islam In Central Asia, London: Penguin, . [6] 2000.
- [7] . مصاحبه با دیپلمات ازبک، واشنگتن دی سی، آمریکا، می 2005.
- [8] . مصاحبه با رئیس ائمه جماعات، نمندگان، ازبکستان، اوت 2005.
- [9] . در خصوص جامعه سلفی در غرب قزاقستان نک:
- Ponomarev, "Kazakhstan: Fight Against the Salafites in Mangyslak", 29 May 2007, Available At Wwww. Muslimuzbekistan. Net
- [10] . مصاحبه با دیپلمات اروپایی، دوشنبه، تاجیکستان، ژانویه 2005.
- [11] . مصاحبه با مقام امنیتی تاجیک، دوشنبه، تاجیکستان، ژانویه 2005.
- [12] . "Text Of Tajik Constitution", Leninabadskaya" [Text Of Tajik Constitution], Pravda, 30 November 1994, In Russian
- [13] . "Hizb Ut- Tahrir- An Extremist" [Hizb Ut- Tahrir- Extremistskaya Organizatsiya" (Hizb Ut- Tahrir- An Extremist" .Organization], Shyt, Dushanbe, Tajikistan, 27 January 2005, In Russian
- [14] . G. Saidzimova, "Central Asia: Hizb Ut- Tahrir"s Calls For Islamic State Find .Support:;, RFE/RL Newsline, 17 January 2006
- [15] . "Tajikistan Ups Pressure On Banned Islamist Party Hizb Ut- Tahrir", Russia News" .and Information Agency, 16 January 2006
- [16] . Amnesty International, The Stste Of The World"s Human Rights- Report 2007, .London Amnesty International, 2007, P. 253
- [17] . Davlyat Nezirov .
- [18] . مصاحبه با دولت نظیروف (Davlyat Nezirov)، رئیس سازمان مردم نهاد «مرکز تحلیل افراط گرایی و تروریسم»، دوشنبه، تاجیکستان، ژانویه 2005.
- [19] . مصاحبه با زوون زینراج (Zvone Zinrajh)، عضو خانه آزادی، دوشنبه، تاجیکستان، ژانویه 2005.
- [20] . M. Saifiddinova, "Tajik Authorities Get Tough On Female Islamists", Iwpr"s .Reporting Central Asia, 21 July 2006
- [21] . D. Ghufonov, "28 Hizb Ut- Tahrir Activists Convicted In Tajikistan Last Year" .Asia- Plus, 20 January 2009
- [22] . مصاحبه با عضو سابق حزب التحریر، نمندگان، ازبکستان، اوت 2005.
- [23] . "Five Banned Islamic Group Members Held In Kazakh West" Kazakhstan Today" .News Agency, 25 August 2007
- [24] . "Tantawi Allegedly Supports Uzbek Massacre Of Civilians In Andijan", 29 June" .2005 Available At Wwww. Khilafah. Com/ Kcom
- [25] . Ibid .
- [26] . K. Sobirov, "Uzbekistan: Islamists" Pardon Under Scrutiny", IWPR Reporting On .

- .Central Asia, 18 March 2003
- B. Pannier, "Uzbekistan Continues To Backslide On Rights", RFE/RL . [27]
.Transmission, 6 August 2008
- [28] . مصاحبه با دوسیم ساتپایف (Dosym Satpayev)، مدیر گروه برآورد مخاطرات (Assessment Risks Group)، آلمانی، قزاقستان، دسامبر 2004.
- Z. Abdullaev, "Islam And National Security Challenges In Uzbekistan", Officer Of . [29]
Uzbekistan's National Security Service, Presentation At The Eurasia Strategy Seminar,
.International Institute For Strategic Studies, London, Great Britain, 14 July 2003
- [30] . مصاحبه با ایگور ساوین (Igor Savin)، مدیر سازمان مردم نهاد «سازمان گفت و گو» (Dialogue Organization)، شیمکت، قزاقستان، فوریه 2004.
- O. Dosybieva, "Jihad Calls In Kazakhstan", IWPR Reporting Central Asia, 16 April . [31]
2003.
- [32] .Russified Kazakh .
- S. Ulph, "Kazakhstan Islamist Militancy on the Rise", the Jamestown Foundation . [33]
.Terrorism Monitor, 18 February 2005
- [34] . مصاحبه با یک مقام وزارت امور خارجه، بیشکک، قرقیزستان، می 2004.
- A. Saipov, "Underground Religious Literature In Kyrgyzstan" Ferghana, Ru . [35]
.Information Agency, 25 February 2005
- [36] . "From The News of Kyrgyzstan", Khilafah Magazine, June 2001"
- U. Babakulov, "Kyrgyz Islamists Shun Taleban", IWPR Reporting Central Asia, . [37]
.No. 74, 12 October 2001
- [38] . قانون اساسی سال 2007 در این پایگاه قابل دست رسی است:
[http:// eng. Gov. kg/ index. Php? Option= com- content& task= View&Id= 20& Itemid=47](http://eng.Gov.kg/index.php?option=com-content&task=view&id=20&Itemid=47)
- [39] .Islamic Party of Turkistan .
- [40] .Organization for Freeing Eastern Turkistan .
- [41] .Eastern Turkistan Islamic Party .
- [42] .Kalyk Imankulov .
- H. Toursunof, "Kyrgyzstan: The Fundamental (Ist) Threat", Transitions Online, . [43]
.17 November 2003
- Kyrgyzestan's Ombudsman Rejects Persecution Of Hizb Ut- Tahrir", RFE/RL" . [44]
.Newsline, 3 March 2003
- [45] . مصاحبه با مقام اداره بازرسی ویژه حقوق بشر، بیشکک، قرقیزستان، می 2004.
- [46] .Omurzak Mamayusupov .
- Kyrgyz Authorities Confused By Hizb Ut- Tahrir Challenge", Keston, News" . [47]
.Service, 29 March 2002
- S. Jumagulov, "Kyrgyzstan's Cautious Mullahs", IWPR Reporting Central Asia, 23 . [48]
.April 2004
- K. Gannon, "Islamists See Opening In Central Asia Chaos", Associated Press, 24 . [49]
.March 2005

- A. Khamidov and A. Saipov, "Islamic Radical Group Bides Time on The Sideline . [50]
.Of Kyrgyzstan"s Revolution", Eurasia Insight, 14 April 2005
- E. Zhusupaliyev, "Hizb Ut- Tahrir In Kyrgyzstan: We Are Being Harassed For . [51]
Active Participation In The Presidential Election", Ferghana. Ru News Agency, 10
.August 2005
- .Ong Cosciouness . [52]
.Keremet . [53]
- S. Mukhametrakhimova, "Dealing With Hizb Ut- Tahrir", Iwpr Reporting Central . [54]
.Asia, 16 June 2006
- .Dilyir Dzhumabayev . [55]
Kyrgyzmember Of Banned Group Comments On Suspension Of Own TV " . [56]
Programme", Text Of Report By Kyrgyz Aki Press News Agency, In English By BBC
.Monitoring Service, 10 March 2006
- B. Pannier, "Kyrgyzstan: Imam Extends Welcome to Hizb Ut- Tahrir", RFE/RL . [57]
.Newsline, 12 May 2006
- Hizb Ut- Tahrir Condemned the Muder of Imam Rafiq Qori Kamoluddin", 11" . [58]
.August 2006, Available At Www. Muslimuzbekistan. Com
- Mufti Of Kyrgyzstan Proclaimed The Qorasuv Imam A Shakhid". 10 August 2006, . [59]
.Available At Www. Muslimuzbekistan. Com
- .Naryn . [60]
.T. Sagynova, Op. Cit . [61]
- S. Blagov, "Moscow Turns Up Heat on Radicals", Asia Times, 22 July 2003, . [62]
.Available At Www. Atimes. Com
- .communiqué f r o m Hizb Ut- Tahrir, 14 June 2003 . [63]
- Geraldine Fagan, "Russia: Muslims Reject Hizb Ut- Tahrir Membership Charges", . [64]
.Forum 18 News, 18 April 2006
- .Gordan Hahn . [65]
.Russia"s Islamiv Theat . [66]
- G. M. Hahn, Russia"s Islamic Threat, New Haven: Yale University Press, 2007, P. . [67]
.214
- Central Intelligence Agency, The World Factbook- Ukraine (Washington DC: CIA, . [68]
(2006
- .Simferopol . [69]
Islamic Radical Party Hosts Conference In Ukraine"s Crimea", BBC Monitoring" . [70]
.Service, 17 August 2007
- Muslims under Chinese Occupation", 12 April 2008, Available At Www. Khilafah." . [71]
.Com/ Kcom
- .International Crisis Group, Op. Cit., P. 14 . [72]
.Leaflets Appear In Ashgabat", RFE/RL Turkmen Report, 21 July 2004" . [73]